

سرود محبت

¹ اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخنگویم و محبت نداشته باشیم، مثل نحاس صدادهنده و سنج فغان کننده شده‌ام.² و اگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم به حدی که کوه‌ها را نقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم.³ و اگر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود و محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی‌برم.⁴ محبت حلیم و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛⁵ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود؛ خشم نمی‌گیرد و سوءظن ندارد؛⁶ از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند؛⁷ در همه چیز

صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید؛ در همه حال امیدوار می‌باشد و هر چیز را متحمل می‌باشد.⁸ محبت هرگز ساقط نمی‌شود و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید.⁹ زیرا جزئی علمی داریم و جزئی نبوت می‌نماییم،¹⁰ لکن هنگامی که کامل آید، جزئی نیست خواهد گردید.¹¹ زمانی که طفل بودم، چون طفل حرف می‌زدم و چون طفل فکر می‌کردم و مانند طفل تعقل می‌نمودم. اما چون مرد شدم، کارهای طفلانه را ترک کردم.¹² زیرا که الحال در آینه بطور معما می‌بینیم، لکن آن وقت روبرو؛ الآن جزئی معرفتی دارم، لکن آنوقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شده‌ام.¹³ و الحال این سه چیز باقی است، یعنی ایمان و امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبت است.